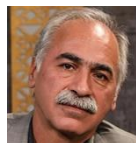


مارکس و سیاست مدرن در دام دانش افواهی

فرشید یزدانی



معرفی کتاب:

مارکس و دمکراسی، در دانش افواهی بابک احمدی

نویسنده: حسن قاضی مرادی

ناشر: اختران

سال: ۱۴۰۱

از جمله رویکردهایی که می‌تواند به اعتلای اندیشه‌ورزی یاری رساند اندیشه یا تفکر نقاد است. تفکری که با دیده‌ی تردید و با نگاه پرسشگرانه به هر واقعه‌ی ذهنی یا عینی نگاه کند و در پی درک ابعاد، چرایی و چگونگی آن باشد. جامعه‌ی روشنفکری و فضای عمومی ما نیز به شدت به آن نیاز دارد و از نقصان این نگاه آسیب می‌بیند. در فضای فکری ما کم‌تر به نقد بنیادین اندیشه‌ها و رفتارها پرداخته‌ایم، شاید به این دلیل که «خواندن» اساساً در کشور ما کم‌تر است و بیشتر بر «شنیده‌ها» متکی هستیم و آنچه نیز که خوانده می‌شود کم‌تر «نقادانه» خوانده می‌شود.

از جمله افرادی که به این‌گونه خواندن در آثار خود توجه جدی داشته حسن قاضی مرادی است. او از معدود نویسندگانی است که کتاب‌هایی در نقد نظرات و کتاب‌های دیگران به تحریر درآورده است. از جمله آثار او می‌توان به کتاب‌های «تأملی بر عقب‌ماندگی ما» و «تأملات ابزاری» اشاره کرد که در هر دو به بررسی نقادانه‌ی کتب و اندیشه‌های سیدجواد طباطبایی پرداخته است.

کتاب «مارکس و دمکراسی - در دانش افواهی بابک احمدی» کتابی است که هدف خود را «رایه‌ی گزارشی انتقادی از یک جلوه‌ی دانش افواهی در آثار مدعی پژوهشگری، به مخاطبان این آثار» تعریف می‌کند. کتاب مورد نقد، کتاب «مارکس و سیاست مدرن» نوشته‌ی بابک احمدی است. کتابی که در امتیازدهی «گوگل‌ریدر» نمره‌ی نزدیک به ۴ از ۵ را گرفته است.

نویسنده بحث را با نقل‌قولی منصوب به ماکیاوولی آغاز می‌کند، «هدف وسیله را توجیه می‌کند»، و می‌گوید که در فضای افواهی و عمومی این جمله منصوب به ماکیاوولی است اما در هیچ کجای آثار او چنین جمله‌ای نیست و می‌افزاید

«دانسته‌ها» بی‌را که بر اساس کثرت تکرار و بدون سنجش اعتبار آن پذیرفته شده و اساساً این تکرار به صورت شفاهی بوده است «دانش افواهی» می‌خوانند. قاضی‌مرادی در سراسر کتاب خود تلاش می‌کند با نشان دادن خطاها و تحریف‌های منتج از کتاب «مارکس و سیاست مدرن» بابک احمدی چگونگی شکل‌گیری یک کتاب بر اساس دانش افواهی را نشان دهد. او برای دانش افواهی دو ویژگی در نظر می‌گیرد: ۱. از منابعی سود می‌برد که به این دانش خصلت پیش‌داورانه‌ای می‌دهد... ۲. بازتولید دانش افواهی از سوی خواننده یا پژوهشگر افواهی‌اندیش با استفاده از شیوه‌های خاص انجام می‌شود که در کل می‌توان «مستندسازی مهندسی شده خواند».

کتاب «مارکس و دموکراسی...» شامل پنج قسمت است (دو قسمت درآمد و پی‌گفتار و سه بخش اصلی). درآمد کتاب به نمونه‌هایی از رویکرد افواهی در کتاب «مارکس و سیاست مدرن» اشاره دارد. مواردی از جمله: سؤالات پیش‌داورانه، مانند این سؤال که «آیا اندیشه‌ی مارکس در همه‌ی ساحت‌های استبدادی است؟» و ذکر موارد دیگری که نشان از جهت‌دار بودن پیشینی نگارنده به موضوع است که ادعای پژوهشی بودن کتاب را زیر سؤال می‌برد. مورد دیگر برداشت‌ها و نقل‌قول‌های نصفه‌نیمه از مباحث مطرح شده توسط مارکس در کتاب «هجدهم برومر» و مواجهه‌ی او با کمون پاریس و ارایه‌ی نقل‌قول‌هایی خطا (البته بدون ذکر دقیق منبع) که بعضاً اساساً در آثار مارکس وجود ندارد و بعضاً خطای ترجمه هستند و نویسنده‌ی مذکور (احمدی) با اتکای به ترجمه‌ی خطا به نقد پرداخته است بدون سنجش صحت نقل‌قول، در جایی دیگر با حذف کلمه‌ای از یک جمله به تحلیلی خطا از آن جمله دست می‌زند. مواردی از این دست که در ادامه و قسمت‌های دیگر بطور مشخص به آن پرداخته شده است زیاد است.

قسمت دوم با عنوان «مارکس و دموکراسی سیاسی» ارایه شده است. نویسنده در این بخش نخست نگاهی دارد به کتاب «درباره‌ی مسأله‌ی یهود» کارل مارکس و پس از آن به نحوه‌ی مواجهه‌ی احمدی با این رساله پرداخته است و به مواردی از جمله عدم ارایه آدرس نقل‌قول از مارکس، عدم لحاظ شرایط عمومی برخی موضع‌گیری‌های مارکس در این کتاب، برداشت‌های پیشینی نگارنده و ارایه‌ی آن دیدگاه‌ها به جای ارایه‌ی مطالب مبتنی بر فاکت مشخص و نقل‌قول غیر واقعی از مارکس (منتسب کردن جمله‌ای

که اساساً در کتاب وجود ندارد) می‌پردازد. در قسمت پایانی این بخش نویسنده به اعتبار و حقیقت رساله‌ی مارکس در جهان امروز می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که «دموکراسی از نظر مارکس، بازسازی جامعه است بر محور آزادی، برابری و همبستگی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.»

در قسمت بعدی تحت عنوان «مارکس و دموکراسی راستین»، نویسنده به مواجهه‌ی نقادانه‌ی احمدی به نقد عناصر فلسفه‌ی حق مارکس بر محور دموکراسی می‌پردازد. در این قسمت نیز نویسنده به مواردی اشاره می‌کند که استمرار همان روش پیشین احمدی در مواجهه با موضوع است.

قسمت چهارم تحت عنوان «مارکس و دموکراسی کمونی» است که در آن به بیان کوتاهی از رخداد کمون پاریس و مواجهه‌ی مارکس با آن پرداخته است. سپس گزارش احمدی از این اتفاقات مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. نویسنده در این قسمت به تفصیل (در حد این کتاب و نیاز برای بررسی و نقد) به کمون پاریس و رویکرد مارکس از خلال نوشته‌های او می‌پردازد و نگاه حمایت‌گرانه و البته نقادانه مارکس به آن واقعه را مورد واکاوی قرار می‌دهد. پس از آن به برداشت سطحی و افواهی احمدی از این مواجهه می‌پردازد و همچنین نگاه غیر انضمامی و تک عاملی ایشان به کمون پاریس را مورد بحث انتقادی قرار می‌دهد.

در قسمت پایانی کتاب (پی‌گفتار) زیر عنوان «تفکر انتقادی در متن»، نویسنده می‌کوشد که نشان دهد چگونه غفلت از تفکر انتقادی، پژوهشگر را به دامان دانش افواهی می‌اندازد. در این قسمت بار دیگر نشانه‌هایی از رویکرد افواهی از جمله خطای در نقل‌قول‌ها، استناد به روایت‌ها و توصیفات منتسب به آثار مورد نقد (در اینجا آثار مارکس) به جای مراجعه به متون اصلی، و در نتیجه عدم صحت‌سنجی موضوع و امکان ارجاع مستقیم به متن، ارایه شده است. در پایان نویسنده پس از بیان برخی از ویژگی‌های اندیشه‌ی انتقادی، مانند ذهن باز، حقیقت‌جویی و انصاف، می‌گوید: «انصاف شرط مواجهه‌ی انتقادی به‌ویژه با نظراتی است که منتقد با آنها موافق نیست. بدون انصاف نمی‌توان متنی را برکنار از جانب‌داری و غرض‌ورزی نقد کرد. در بی‌انصافی منتقد نه به نقد که به تخریب‌گری، برچسب‌زنی و پروپاگاندا می‌گراید.»

سخن کوتاه، نویسنده در پاسخ به ادعای اصلی احمدی که می‌گوید مارکس مخالف دموکراسی بورژوازی بوده و آنرا امکان‌ناپذیر می‌دانسته، با نشان دادن خلاءهای روشی و رویکردی او نشان می‌دهد که مارکس از این نوع دموکراسی به‌عنوان گامی به‌پیش نام می‌برد اما هم‌زمان آنرا نقد نیز می‌کند. در این کتاب به دیگر ادعای احمدی مبنی بر این‌که اساساً آموزه‌ی مارکس غیردموکراتیک است (به دلیل خوانش افواهی و غیرانضمامی از مفهوم دیکتاتوری پرولتاریا)، پاسخ داده می‌شود. در کتاب نشان داده می‌شود که مارکس نظریه‌ی مشخصی در مورد دموکراسی دارد و با استناد به موضع‌گیری نقادانه‌ی مارکس نسبت به کمون پاریس، مطرح می‌کند که نظر مارکس در خصوص تلفیق دموکراسی مستقیم و غیرمستقیم، که به دموکراسی کمونی معروف شده است، یکی از نشانه‌های باور او به دموکراسی است.

در مجموع این کتاب به واسطه‌ی روش انتقادی به موضوع خود، و ارایه جمع‌بندی شده‌ی نظرات مارکس در خصوص دموکراسی، براساس سه کتاب (درباره‌ی مسأله‌ی یهود، نقد عناصر فلسفه‌ی حق و جنگ داخلی در فرانسه)، اثری است قابل‌تعمق و خواندنی. در عین حال که در مجموع اثری است برای پرهیز از افتادن به دام پژوهش‌ها و پژوهشگران افواهی‌اندیش.